

2008

نگاهی بر بازار جهانی فلزات در سال ۲۰۰۸

هر روز بدتر از دیروز

محمد رضا خدرلو

تأثیر بحران بر بورس های کالایی:

با گسترش بحران مالی در مناطق مختلف جهان؛ بورس های کالایی نیز دچار تحریک و نوعی عدم تعادل می شوند. کارشناسان معتقدند نوسانات قیمت نفت و بحران بازارهای مالی و سرمایه، تأثیر مستقیمی بر بورس های کالایی دنیا و قیمت کالاها دارد اما آنچه در بورس کالا حائز اهمیت است تأثیر پذیری حجم و ارزش معاملات بورس های کالایی بر اثر بحران های مالی و فرازونشیب قیمت نفت است. عموماً چنین تأثیری به علت تردید یا اتخاذ سیاست های روز عرضه کنندگان و متقاضیان برای معامله است. بسیاری از صاحب نظران بورس های کالایی در هند بر این باورند که تأثیر منفی بحران مالی آمریکا بر بورس های کالایی جهان امری اجتناب ناپذیر است و حتی بورس های کالایی نیز به طور جدی و سخت دچار لطمه و آسیب خواهند شد.

به دنبال بروز بحران مالی در آمریکا و متعاقب آن سرایت این بحران به سایر کشورها؛ روند قیمت کالاهای تجاری در بازارهای جهانی به طور بسیار زیادی دچار تغییر شده و این نوسان قیمت ها باعث سراسیمگی سرمایه گذاران و سوداگران بورس های کالایی گردیده است. در این بین دلالت اعتقاد دارند که شرایط از وضع موجود نیز بدتر خواهد شد و باید منتظر روزهای سخت تری باشیم. به عنوان نمونه شاخص بورس های کالایی در کشور هند به پایین ترین حد در ۲۵ هفته (۶ ماه) گذشته سقوط کرده است. به این ترتیب انتظار می رود در بلند مدت ارزش طلا در بازارهای جهانی تقویت و افزایش یابد و در پی آن نوعی شرایط تورمی بر اقتصاد جهانی حکم فرما گردد. نتیجه آخر این تحول فشار بیشتر بر ارزش دلار خواهد بود که می تواند نرخ برابری آن را در مقابل سایر ارزهای معتبر کاهش دهد.

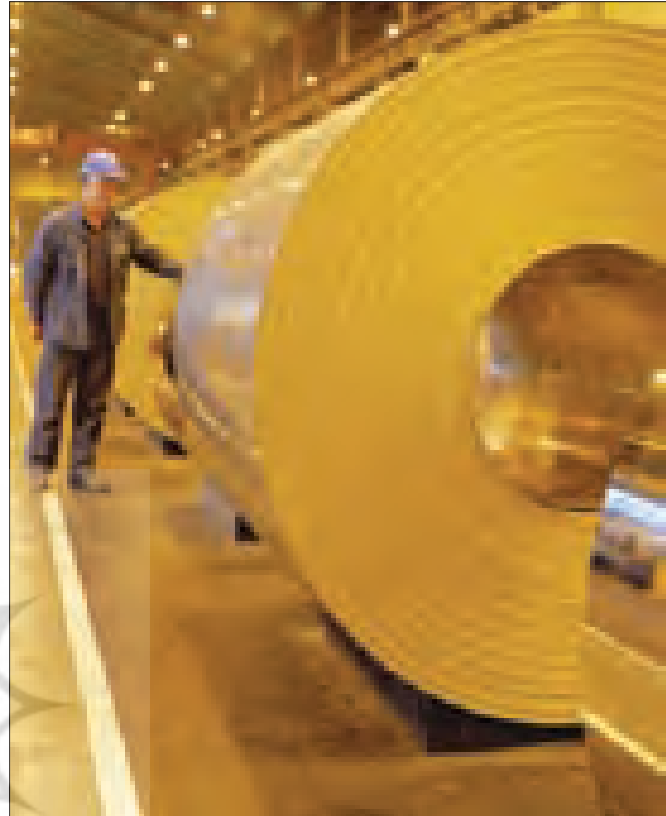
بازار فلزات:

به اعتقاد برخی کارشناسان؛ با کاهش

بحران کمبود اعتبار، از آگوست سال ۲۰۰۷ و از بطن اقتصاد کاپیتالیستی آمریکا سر باز کرد و اکنون پس از یک سال، به اوج خود رسیده و تبدیل به بزرگترین بحران مالی جهانی شده است. جهان روزانه میلیاردها دلار ارزش خود را از دست می دهند و اعتماد از بازارها رخت بسته است.

چرخ بزرگترین اقتصاد جهان، ایالات متحده، عملاً به گل نشسته و در نتیجه، اقتصاد بسیاری از کشورهای بزرگ را نیز با خطر رکود اقتصادی مواجه کرده است.

اکنون دولت ها سراسیمه به دنبال مهار بحرانی هستند که آتش آن شیرازه اقتصاد سرمایه داری و تنز بازارهای آزاد را از هم می پاشد. بحران مالی جهانی هر چند از آمریکا آغاز و دامن گیر اکثر کشورها شد اما این بحران کم سابقه باعث گردیده تا حداقل ۶ حوزه مهم از این رویداد متأثر و با چالش های جدیدی مواجه شوند. بررسی های به عمل آمده معاونت مطالعات اقتصادی و توسعه بازار شرکت بورس نشان می دهد که بحران مالی جهانی بر موسسات مالی، بازارهای سرمایه، بخش واقعی اقتصاد، قیمت فلزات اساسی، قیمت نفت خام و حجم تجارت جهانی اثر مستیمی گذاشته است.



فلزات تا پایان سال ۲۰۰۹ دارای روندی نزولی خواهد بود. بیش از سه سال بود که بدلیل رشد اقتصادی بالای دنیا شاهد افزایش تقاضای مصرف فلزات پایه بودیم و طی چهار، پنج سال گذشته اقتصاد جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله هند، چین و برزیل با رشد سالانه بیش از پنج درصد همراه بود که این موضوع تقاضای خرید فلزات اساسی شامل آهن، فولاد، مس، آلومینیوم، سرب و روی را افزایش داد. از سوی المپیک چین، نیز عاملی برای رشد شتابان ساخت و ساز در این کشور شد و به این ترتیب چین که همواره صادر کننده فلزات به حساب می آمد، در سال ۲۰۰۸ به یک وارد کننده تبدیل شد. در چنین شرایطی رشد تقاضای خرید فلزات افزایش قیمت ها را به همراه داشت این سیر صعودی که نشان دهنده رشد تولیدی ناخالص داخلی و بهبود وضع اقتصادی جهان بود با تقاضای فزاینده مصرف انرژی و بویژه نفت همراه شد، در نتیجه قیمت نفت رشد چشمگیری پیدا کرد.

تنهاروزنه امید
در این آشفته
بازار بحران زده،
ارایه تقاضا برای
فلزات از سوی
اقتصاد چین است
که آن هم بنا به
دلایل اقتصادی و
اثر گذاری بحران
مالی بر آن کشور
در هاله ای از ابهام
قرار دارد

این مسئله طی سه سال گذشته باعث کند شدن توسعه اقتصادی کشورها شد زیرا با بالا رفتن بهای نفت، قیمت تمام شده محصولات صنعتی نیز افزایش یافت و با به هم خوردن تعادل میان عرضه و تقاضا به تدریج از میزان خرید کاسته شد که این کاهش تقاضا در زمینه فلزات اساسی به معنی کند شدن رشد اقتصادی جهان بود. این سیر نزولی به بخشهای دیگر مانند صنایع خودروسازی، مسکن و تولید فلزات نیز سرایت کرد و به این ترتیب رشد اقتصادی بالای ۵/۲ درصدی رو به کاهش گذاشت و در سال ۲۰۰۸ به ۴/۹ درصد رسید که بنا بر پیش بینی کارشناسان، این رشد در سال ۲۰۰۹ به ۳/۸ درصد تنزل خواهد کرد.

حال از جمله مسائلی که باعث ایجاد بحران در اقتصاد جهان شد و تیر خلاص در این زمینه به حساب می آید، مشکل موسسات مالی و اعتباری است که از اعطای وام مسکن آغاز شد و به موسسات وام دهنده مسکن نیز تسری پیدا کرد.

بحران مالی در آمریکا و سایر مناطق جهان؛ نوعی تغییر رفتار اقتصادی در فعالیت های بورسی به چشم می خورد.

تاثیر بحران بر عملکرد LME:

به رغم تمام ناملایماتی که در سال ۲۰۰۸ برای تجارت جهانی فلزات حادث شد، بورس فلزات لندن اعلام کرد که برای چهارمین سال پیاپی موفق به ثبت رکورد معاملات فلزات شده است. بر این اساس LME در سال ۲۰۰۸ توانست با وجود تمام مشکلات موجود و وقوع بحران جهانی ۱۱۳ میلیون تن انواع فلزات را به ارزش ۱۰/۲۴ تریلیون دلار معامله نماید. طبق این اعلام، قراردادهای آتی نیکل، سرب، مس روی و آلومینیوم بهترین نوع قراردادهای مورد معامله در بورس فلزات لندن در سال گذشته بودند. همین عملکرد باعث شده است که این بورس کالایی در سال ۲۰۰۸ به عنوان مهم ترین مرکز خرید و فروش فلزات پایه در جهان مطرح باشد. مسئولان LME امیدوارند تا بتوانند عملکرد سال گذشته را در سال ۲۰۰۹ حفظ و تکرار نمایند اما به گفته همین مقامات انتظار می رود با توجه به وجود بحران اقتصادی در جهان، میزان داد و ستد انواع فلزات در این بورس کالایی در سال ۲۰۰۹ دست کم با ۱۰ درصد کاهش مواجه شود. به اعتقاد مار تین ابوت مدیر اجرایی LME از سال ۲۰۰۵ به این سوی نخستین بار است که این بورس کالایی با چنین کاهش روبرو خواهد شد. گفتنی است که میزان معاملات انواع فلزات در بورس فلزات لندن در سال ۲۰۰۸ در مقایسه با سال قبل از آن بالغ بر ۲۲ درصد رشد داشت.

نمودار ۱ نشانگر قیمت فلزات پایه غیر آهنی در بورس فلزات لندن طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ بر حسب تن/دلار است. همانگونه که مشاهده می شود قیمت فلز نیکل از اوایل سال ۲۰۰۷ و قیمت آلومینیوم و مس از اوایل سال ۲۰۰۸ روند نزولی را آغاز کرده اند.

تغییرات قیمت:

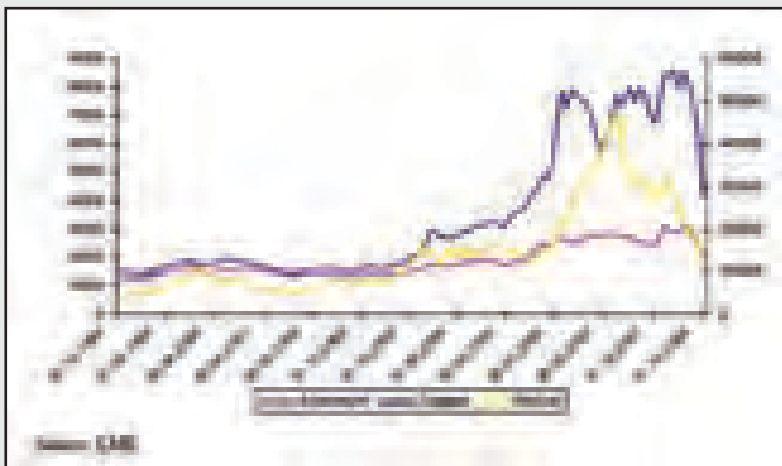
در پی بحران اقتصادی جهان قیمت جهانی

قیمت نفت در اواخر سال ۲۰۰۸ و تاثیر آن در بازار جهانی، قیمت محصولات فولادی و فلزی و پتروشیمی نیز در بورس های کالایی کاهش داشته است. با نوسانات پی در پی قیمت محصولات فولادی و فلزی بسیاری از متقاضیان منتظر ثبات بازار هستند به همین دلیل میزان تقاضا نسبت به ماه های اولیه سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. همچنین به دلیل احساس ناامنی در بازارهای مالی جهان؛ بسیاری از سرمایه داران ترجیح می دهند سرمایه های خود را به طلا تبدیل کنند. این طرز فکر باعث افزایش تقاضا و نیز افزایش قیمت فلز گران بهای طلا در بازارهای جهانی شده است.

در خصوص بازار فلزات نیز می توان به این موضوع اشاره کرد که بازار جهانی سرب از رونق قابل قبولی برخوردار است ولی بازار معاملات فلز نیکل رونق خود را از دست داده است. در یک نگاه کلی به بازار فلزات در جهان می توان گفت که بحران مالی حاضر تاثیر منفی بر روند رشد اقتصادی کشورها خواهد داشت به همین دلیل میزان تقاضا برای انواع فلزات نیز در بورس های کالایی کاهش زیادی خواهد داشت. نتیجه این کاهش تقاضا نوعی رکود در بازار معاملات فلزات در سطح بین المللی است. پیش بینی کارشناسان بر این است که تنها روزنه امید در این آشفته بازار بحران زده، ارایه تقاضا برای فلزات از سوی اقتصاد رو به رشد و بزرگ چین است که آن هم بنا به دلایل اقتصادی و اثر گذاری بحران مالی بر آن کشور در هاله ای از ابهام قرار دارد.

اگرچه به ظاهر وضعیت در برترین بورس اروپا یعنی بورس فلزات لندن بسیار معمولی به نظر می رسد و بورس بازان، فعالان اقتصادی، دلالان و کارگزاران این بورس با اشاره دست و تلفن؛ معاملات خود را سروسامان می دهند، لیکن؛ ترس عمیقی از بحران بر این بورس نیز سایه افکنده است. به اعتقاد کارگزاران و سرمایه گذاران؛ شرایط بسیار خطرناک شده و جو بازار به هم ریخته. عمده ترین دلیل این برهم ریختگی، احساس ناامنی در قبال بحران مالی است که روز به روز وخیم تر می شود. با توجه به اطلاعات منتشره در مورد بازار جهانی فلزات در ماه اکتبر سال ۲۰۰۸ مشخص شده است که عرضه بین المللی فلز مس کمتر از میزان تقاضا برای آن است و بحران کمبود اعتبار باعث خواهد شد تا سرمایه گذاری لازم در معادن مس صورت نگیرد و کاهش عرضه باعث بحران در بازار خواهد شد.

با توجه به این که ۹۵ درصد از فعالان و خریداران کالا در بورس فلزات لندن، آسیایی هستند؛ بسیاری از این افراد شرایط ناپایدار و بلند مدتی را برای این بورس اروپایی پیش بینی کرده اند و در فعالیت های جاری آنها نوعی احساس خطر و ترس از ریسک به چشم می خورد. آنها بر این باورند که با انتشار اخبار



نمودار ۱ نشانگر قیمت فلزات پایه غیر آهنی در بورس فلزات لندن طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ بر حسب تن/دلار



از سویی تقاضای خرید فلزات به شدت کاهش یافت و همین مسئله روند نزولی قیمت ها را موجب شد به طوریکه قیمت جهانی فولاد که تا چند ماه پیش حدود ۱۲۵۰ دلار بود به کمتر از ۴۰۰ دلار در شرایط فعلی رسیده است.

در چنین وضعیتی قیمت جهانی روی نیز که سال ۲۰۰۷ حدود ۴۰۰۰ دلار بود به حدود ۱۱۰۰ دلار رسیده و هر تن سرب نیز که ۳ هزار دلار معامله می شد در اواخر سال ۲۰۰۸ حدود ۱۴۰۰ دلار به فروش رسید. بهای نیکل به عنوان یکی از فلزات اساسی از ۳۰ هزار دلار در سال ۲۰۰۷ به ۱۱ هزار دلار در سال ۲۰۰۸ تنزل یافت. هر تن آلومینیوم در بازارهای جهانی حدود ۱۹۰۰ دلار خرید و فروش می شود، این در حالی است که قیمت جهانی آلومینیوم در سال ۲۰۰۷ میلادی حدود هزار و ۸۰۰ دلار بود. قیمت هر تن مس نیز با کاهش ۳ هزار دلاری نسبت به سال ۲۰۰۷ به حدود ۴ هزار دلار رسید. پیش بینی می شود این روند نزولی تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی ادامه داشته باشد و از آن پس با تثبیت وضعیت مالی بانک ها و اقتصاد جهان، قیمت فلزات اساسی نیز از شرایط با ثباتی برخوردار شود.

کارشناسان می گویند از زمانیکه این شرایط فراهم شود حداقل دو سال زمان نیاز است تا قیمت فلزات اساسی بر قیمت های سال ۲۰۰۷ میلادی برسد. این در حالی است که هم اکنون قیمت ها در پایین ترین حد ممکن قرار دارند و تا سال ۲۰۰۹ با نوسانات مثبت یا منفی ۱۰ درصدی همراه خواهد بود.

گفتنی است که در بین فلزات اساسی که در سال ۲۰۰۸ دچار کاهش قیمت جهانی شده اند، آلومینیوم کمترین کاهش را شاهد بوده و سرب، مس، نیکل و فولاد در رده های بعدی قرار دارند. روی نیز بیشترین کاهش قیمت را در بین فلزات اساسی شاهد بوده است.

پیش بینی می شود با توجه به کاهش رشد اقتصاد جهانی و بازارهای راکد و کاهش قیمت مواد اولیه، سیر نزولی قیمت فولاد در بورس های کالایی ادامه یابد. اگر وضعیت تجارت فولاد به عنوان بزرگترین تجارت بعد از نفت معلوم شود می توان به سؤالات بسیاری در خصوص ادامه رکود پاسخ داد. در نگاه اول می توان گفت چشم امید فولادسازان به صنایع خودرویی، ساختمانی، لوازم خانگی و نفت و گاز و خطوط لوله و تأسیسات است که با نیم نگاهی به وضعیت جهانی این صنایع مشخص می شود این سه صنعت در بحران و رکود به سر می برند. از طرف دیگر مصرف لوله های نفت و گاز و خطوط انتقال در حالی در ۳ سال گذشته افزایش یافته بود که در حال حاضر تقاضا در این بخش نیز با کاهش روبه رو است و تولیدات بدون مشتری مانده که پیش بینی می شود این وضعیت تا ۲ سال آینده ادامه داشته باشد. در سال ۲۰۰۹

بین فلزات اساسی که در سال ۲۰۰۸ دچار کاهش قیمت جهانی شده اند، آلومینیوم کمترین کاهش را شاهد بوده و سرب، مس، نیکل و فولاد در رده های بعدی قرار دارند

۴۹۰ میلیون تن را هدف گذاری کرده بود. فولادسازان آمریکایی با نوید سال بهتر برای سال ۲۰۰۹ میلادی طرح های متعددی برای سرمایه گذاری در بخش تولید فولاد آمریکا داشتند که برعکس با کساد بازار و بحران داخلی روبه رو شدند. احداث کارخانه برای تولید یک میلیون تن در کویت و طرح های احداث کارخانه ی تولید در اطراف ایران به سرعت در اوج قیمت فولاد پیگیری می شد. ایران نیز در این مسیر بیکار نمانده و علاوه بر طرح های توسعه کارخانجات موجود ۸ طرح فولادی دیگر را پیگیری می کند. حال اگر این همه تولید مشتری مناسب نداشته باشد به بازار فولاد ضربه دیگری وارد می شود و بر همین اساس است که کارخانجات کاهش تولید را در برنامه های خود دارند.

جهان همچنان شاهد کاهش رشد اقتصادی و بازارهای راکد خواهد بود. هم اکنون نیز شاهد کاهش بهای مواد اولیه از جمله نفت تا ۴۲ دلار، ذغال سنگ، سنگ آهن و آهن قراضه هستیم پس سقوط قیمت آهن و فولاد منطقی است.

البته نا گفته نماند با توجه به اینکه موجودی انبارها رو به کاهش است و طرح های توسعه نیز زیر سؤال است و انگیزه ی ادامه آن در برخی از کشورهای از بین رفته اگر با توجه به بحران مالی موجود یکی پس از دیگری شاهد تعطیلی و یا کاهش تولید کارخانجات فولاد باشیم در صورت عدم توازن عرضه و تقاضا بعید نیست به علت عدم تولید با سرعت قبلی و مصرف موجودی انبارها به جان گرفتن قیمت ها در کوتاه مدت کمک شود. با توجه به شرایط موجود نمی توان به آینده بازار چندان خوشبین بود و کارخانجات فولاد به این راحتی دوباره طعم سودهای میلیاردری را نمی چشند.

با نگاه به برنامه های افزایش و توسعه فولاد می بینیم که حتی کشور هند به عنوان پنجمین تولید کننده برتر جهان قصد داشت تا سال ۲۰۱۰ تولید خود را به ۶۰ میلیون تن و چین نیز ۷۰ میلیون تن افزایش برای عبور از مرز تولید

- منابع:
۱- خبرگزاری فارس
۲- نشریه بورس کالا، شماره پانزدهم و شانزدهم
۳- قلم پرس
۴- نشریه بین المللی waters ژانویه ۲۰۰۹
۵- Economist ۱۵ اکتبر ۲۰۰۸
۶- Forex
۷- خبرگزاری رویترز
LME daily Review-۸